تازه‌های اقتصاد

دوشنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۵
۲۹ جمادی الاولی ۱۴۴۸
۹ نوامبر ۲۰۲۶
۴ صفحه
شماره ۱۶۰



مداخله ارزی نسخه مشترک بانک‌های مرکزی دنیا

۴

مدیرکل امور دادستانی و صیانت از مشتریان بانک مرکزی در گفت‌وگو با تازه های اقتصاد:

برخورد با بانک‌های ناقض حقوق مشتریان

- صیانت از مشتریان دیگر توصیه اخلاقی نیست؛ بانک‌ها در برابر حقوق مردم مسئولیت قانونی دارند.
- بانک متخلف در صورت بی‌توجهی به حقوق مشتریان به هیئت انتظامی معرفی می‌شود.
- هدف ما این است که پیش از شکل‌گیری نارضایتی، حقوق مشتریان در شبکه بانکی رعایت شود.
- بانک‌ها مسئول کیفیت خدماتی هستند که حتی از طریق پیمانکاران ارائه می‌کنند
- بانک‌ها موظف‌اند حداکثر ظرف ۳۰ روز کاری به شکایت مشتریان پاسخ دهند
- هدف ضوابط جدید، جلوگیری از شکل‌گیری نارضایتی مشتریان است، نه صرفاً رسیدگی به شکایت‌ها
- تصمیم بانک مرکزی در فرایند رسیدگی به شکایت مشتریان فصل‌الخطاب است



بانک مرکزی می‌خواهد رابطه بانک‌ها و مشتریان را از مرحله ارائه خدمت تا رسیدگی به شکایت‌ها با قواعد روشن و ضمانت اجرای قانونی بازتعریف کند؛ به‌گونه‌ای که دیگر هیچ بانکی نتواند به بهانه برون‌سپاری، مسئولیت کیفیت خدمات خود را نادیده بگیرد، ارائه یک خدمت را به دریافت خدمات دیگر مشروط کند یا مشتری را برای دریافت پاسخ به شکایتش بلاتکلیف بگذارد. بر اساس ضوابط مورد تأکید بانک مرکزی، بانک‌ها موظف‌اند حداکثر ظرف ۳۰ روز کاری به شکایت مشتریان پاسخ دهند و در صورت بی‌توجهی به حقوق آنان، با معرفی به هیئت انتظامی روبه‌رو خواهند شد. در این رویکرد، صیانت از مشتریان دیگر یک توصیه اخلاقی یا اقدام تشریفاتی نیست، بلکه مسئولیتی قانونی برای تمام بانک‌هاست و هدف اصلی آن نیز نه صرفاً رسیدگی به نارضایتی‌های شکل‌گرفته، بلکه پیشگیری از تضییع حقوق مردم پیش از تبدیل شدن مشکلات به شکایت است. مدیرکل امور دادستانی و صیانت از مشتریان بانک مرکزی در گفت‌وگو با «تازه‌های اقتصاد» با تشریح ابعاد این رویکرد تأکید می‌کند که بانک‌ها در برابر کیفیت تمام خدماتی که به مشتریان ارائه می‌دهند، حتی خدمات برون‌سپاری‌شده، مسئول‌اند و تصمیم بانک مرکزی در فرایند رسیدگی به شکایت مشتریان، فصل‌الخطاب خواهد بود.

بانک مرکزی با ابلاغ «ضوابط حداقل الزامات صیانت از مشتریان مؤسسات اعتباری» در ۹ اصل، گام تازه‌ای برای تقویت حقوق مشتریان شبکه بانکی و ایجاد چارچوبی منسجم در زمینه نحوه ارائه خدمات و پاسخگویی بانک‌ها برداشته است. این ضوابط با هدف ارتقای کیفیت خدمات بانکی، افزایش شفافیت، بهبود ارتباط میان بانک‌ها و مشتریان و ایجاد سازوکارهای مؤثرتر برای رسیدگی به مطالبات و شکایات تدوین شده و جایگزین دستورالعمل رسیدگی به شکایات مشتریان بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مصوب سال ۱۳۹۳ شده است.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این چارچوب، تغییر رویکرد بانک مرکزی از رسیدگی صرف به شکایات پس از بروز نارضایتی به پیشگیری از شکل‌گیری آن‌هاست. بر این اساس، مؤسسات اعتباری باید علاوه بر ایجاد مسیرهای روشن و قابل دسترس برای دریافت و پاسخگویی به شکایات، مجموعه‌ای از الزامات را در مراحل مختلف ارائه خدمات بانکی رعایت کنند تا از بروز مشکلات و نارضایتی‌های احتمالی جلوگیری شود. این ضوابط در ۱۲ فصل و با بهره‌گیری از مطالعات تطبیقی و اصول دوازده‌گانه سازمان همکاری و توسعه اقتصادی تدوین شده و موضوعاتی همچون شمول مالی، ارتقای سواد مالی، رفتار عادلانه با مشتریان، شفافیت اطلاعات، دسترس‌پذیری خدمات، امنیت اطلاعات و حفظ حریم خصوصی را در بر می‌گیرد. همچنین بانک‌ها و مؤسسات اعتباری موظف شده‌اند اطلاعات مربوط به شرایط و هزینه‌های خدمات، مفاد قراردادها، حقوق مشتریان و مسیرهای ثبت و پیگیری شکایات را به‌صورت روشن در اختیار متقاضیان قرار دهند.

ادامه خبر در صفحه ۲

یادداشت

تجربه ترکیه در مهار تورم



منصور بیطرف
روزنامه‌نگار

نرخ تورم بر اساس آخرین آمار رسمی در مهر امسال به ۷۶.۸ درصد است. هرچند بخش مهمی از این تورم حاصل جنگ، تحریم و محاصره اقتصادی از سوی آمریکاست، اما تورم بالا از زاویه‌ای دیگر یادآور تجربه کشور همسایه، ترکیه، در اواخر دهه ۱۹۹۰ و سال‌های ابتدایی دهه ۲۰۰۰ میلادی نیز هست. ترکیه در اوایل دهه ۲۰۰۰ چه کرد که توانست نرخ تورم را از حدود ۷۰ درصد و حتی بالاتر، به محدوده تک‌رقمی در سال ۲۰۰۴ برساند و این دستاورد را تا حدود یک دهه بعد حفظ کند؟ تجربه ترکیه، به‌ویژه برای ایران و در دوران پس از پایان جنگ، می‌تواند آموزنده باشد. بدون تردید، یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در روند کاهش تورم ترکیه، مرحوم کمال درویش بود.

اما کمال درویش که بود و چه کرد؟ کمال درویش، اقتصاددانی ترک‌تبار بود که به مقام معاونت بانک جهانی رسیده بود. او خود روایت می‌کند که نیمه‌شب به وقت واشنگتن، بولنت اجویت، نخست‌وزیر وقت ترکیه، با وی تماس گرفت و از او خواست برای کمک به اقتصاد ترکیه به این کشور بازگردد. درویش نیز بلافاصله از بانک جهانی استعفا داد و راهی ترکیه شد تا با اختیارات گسترده، مسئولیت اداره امور اقتصادی این کشور را بر عهده بگیرد. اعتبار و شهرت او به اندازه‌ای بود که با اعلام انتصابش، شاخص بورس ترکیه حدود ۷ درصد افزایش یافت و لیر نیز در برابر دلار تقویت شد. کمال درویش بعدها، زمانی که به آمریکا بازگشت، در یکی از سخنرانی‌های خود از «روایت مردم» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل موفقیتش یاد کرد. او گفت یکی از همکارانش، هنگامی که متوجه شد قصد دارد برای بهبود وضعیت اقتصادی ترکیه به این کشور برود، توصیه‌ای به او کرد که بسیار راهگشا بود. آن همکار به درویش گفته بود: «ببین مردم چه می‌گویند، نه مقامات.»

به همین دلیل، درویش پس از ورود به ترکیه، به‌جای آنکه صرفاً به اظهارات و توجیهات مقامات دولتی گوش کند، تلاش کرد صدای مردم را بشنود و تصمیم‌های اقتصادی خود را با توجه به واقعیت‌های زندگی و انتظارات جامعه اتخاذ کند. یکی از اقدامات مهم درویش، تغییر سازوکار تعدیل دستمزدها متناسب با تورم بود. به بیان دیگر، سیاست افزایش دستمزدها از الگوی تبعیت از تورم تحقق‌یافته گذشته (Backward Indexation) به سمت تبعیت از تورم هدف‌گذاری‌شده آینده (Forward-looking Indexation) تغییر کرد. در نظام قبلی، افزایش قیمت‌ها و تورم تحقق‌یافته مبنای مطالبه و تعیین افزایش دستمزدها قرار می‌گرفت.

به این ترتیب، تورم سال گذشته به افزایش دستمزدها در سال بعد منجر می‌شد و افزایش هزینه نیروی کار نیز می‌توانست بار دیگر به رشد قیمت کالاها و خدمات بینجامد. این چرخه، به تداوم انتظارات تورمی و بازتولید تورم کمک می‌کرد. اما در دوره درویش، تلاش شد افزایش حقوق کارکنان دولت با توجه به نرخ تورم هدف‌گذاری‌شده تعیین شود، نه لزوماً بر اساس تورم تحقق‌یافته سال قبل. در قراردادهای دستمزد کارکنان بخش عمومی، افزایش‌های اسمی از پیش تعیین‌شده و متناسب با اهداف ضدتورمی برنامه مبنا قرار گرفت. در بخش خصوصی نیز تلاش شد روند افزایش دستمزدها با هدف تورمی دولت و بهره‌وری اقتصادی هماهنگ شود. دولت همچنین از طریق گفت‌وگو با اتحادیه‌های کارگری و کارفرمایان کوشید انتظارات تورمی را تغییر دهد.

این رویکرد، یکی از مبانی سیاست‌های ضدتورمی درویش بود. در کنار آن، کاهش تقاضای داخلی، اصلاح نظام ارزی و ادامه حرکت به سمت نظام نرخ ارز شناور نیز در دستور کار قرار گرفت؛ مسیری که البته پیش از حضور او آغاز شده بود و در دوره مسئولیتش تداوم یافت. اصلاح نظام بانکی نیز یکی دیگر از محورهای اصلی برنامه درویش بود. در واقع، برنامه اقتصادی او که با عنوان «گذار به اقتصاد قدرتمند» شناخته می‌شد، بر سه محور اساسی استوار بود: ۱. تثبیت نظام بانکی و بازسازی بانک‌های بحران‌زده؛ ۲. برقراری انضباط مالی و کاهش کسری بودجه دولت؛ ۳. بازسازی چارچوب سیاست پولی با هدف مهار تورم، بدون اتکا به تثبیت نرخ ارز.

درویش چارچوب کلی اصلاحات اقتصادی را طراحی و اجرای آن را آغاز کرد. نتیجه این سیاست‌ها آن بود که نرخ تورم ترکیه که هنگام ورود او به عرصه سیاست‌گذاری اقتصادی حدود ۶۹ درصد بود، در سال بعد به حدود ۲۹ درصد کاهش یافت. او حدود یک سال و اندی مسئولیت امور اقتصادی را بر عهده داشت و پس از آن، این مسئولیت را واگذار کرد.

متن کامل را در تازه‌های اقتصاد بخوانید

برخورد با بانک‌های ناقض حقوق مشتریان



مهم‌ترین تفاوت ضوابط جدید با دستورالعمل‌های پیشین در حوزه رسیدگی به شکایات و حقوق مشتریان چیست؟

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها و تمایزهای ضوابط جدید با مقررات قبلی، تغییر رویکرد از گذشته‌نگر به پیشگیرانه است. در دستورالعمل قبلی، تمرکز عمدتاً بر رسیدگی به شکایات پس از بروز مشکل بود، اما در ضوابط جدید تلاش شده است سازوکارهایی در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مستقر شود تا حقوق و منافع مشتریان از ابتدا به نحو شایسته رعایت شود و آمار شکایات و نارضایتی‌ها به حداقل ممکن کاهش پیدا کند.

در واقع، رسیدگی به شکایات در این چارچوب همچنان وجود دارد، اما به‌عنوان یکی از حلقه‌های پایانی فرایند صیانت از مشتریان در نظر گرفته شده است. هدف اصلی این است که با مجموعه‌ای از اقدامات پیشگیرانه، اساساً شکایتی ایجاد نشود.

این ضوابط از چه زمانی لازم‌الاجرا می‌شود و بانک‌ها برای اجرای آن چه مهلت‌هایی دارند؟

این ضوابط در تاریخ ۹ آبان‌ماه سال جاری ابلاغ شده و ۱۵ روز پس از تاریخ ابلاغ لازم‌الاجرا خواهد شد. پس از لازم‌الاجرا شدن، بانک‌ها باید اقدامات مشخصی را در بازه‌های زمانی تعیین‌شده انجام دهند. برای مثال، هیئت‌مدیره بانک موظف است ظرف دو ماه، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های لازم در حوزه صیانت از مشتریان را تدوین و ابلاغ کند. همچنین بانک‌ها چهار ماه فرصت دارند رویه‌های اجرایی مربوط را تدوین کنند.

بنابراین، ابتدا سیاست‌ها و رویه‌های اجرایی تدوین و سپس پیاده‌سازی می‌شوند و آثار اجرای این ضوابط را می‌توان در ماه‌های آینده ارزیابی کرد.

مشتریان بانک‌ها در صورت بروز مشکل یا نارضایتی از خدمات بانکی، از چه مسیری باید شکایت خود را پیگیری کنند؟

بر اساس ضوابط جدید، مشتری در وهله نخست باید شکایت خود را از طریق کانال‌هایی که بانک مربوطه برای دریافت شکایات معرفی کرده است، ثبت کند. بانک‌ها مکلف شده‌اند این کانال‌ها را به‌صورت شفاف از طریق قراردادها، تابلوهای اطلاع‌رسانی، پایگاه اطلاع‌رسانی بانک، محیط شعب و سایر بسترهای مناسب به مشتریان اعلام کنند.

مشتری می‌تواند از طریق وب‌سایت بانک، سامانه CRM، تماس تلفنی، مراجعه حضوری یا سایر روش‌هایی که بانک پیش‌بینی کرده است، شکایت خود را مطرح کند. بانک نیز موظف است هنگام دریافت شکایت، کد رهگیری در اختیار مشتری قرار دهد و امکان اطلاع از مراحل رسیدگی را برای او فراهم کند؛ به‌گونه‌ای که مشتری بداند شکایتش در چه مرحله‌ای قرار دارد و چه اقداماتی برای بررسی آن انجام شده است.

بانک موظف است حداکثر ظرف ۳۰ روز کاری، شکایت را بررسی و پاسخ مستند و مستدل خود را به مشتری ارائه کند. اگر مشتری از پاسخ بانک قانع نشود یا مشکلش برطرف نشود، می‌تواند شکایت خود را از طریق سامانه CRM بانک مرکزی ثبت و پاسخ دریافتی از بانک را نیز ضمیمه کند.

پس از ثبت شکایت در بانک مرکزی، همکاران ما موضوع را بررسی می‌کنند و در صورت نیاز، آن را برای بررسی و ارائه پاسخ به بانک یا مؤسسه اعتباری مربوط ارجاع می‌دهند. در این مرحله، بانک حداکثر ۱۵ روز فرصت دارد پاسخ خود را به بانک مرکزی ارائه کند. البته در مواردی که نیاز به بررسی بیشتری وجود داشته باشد، بانک باید دلایل خود را برای تمدید مهلت به بانک مرکزی اعلام کند.

همچنین ممکن است با توجه به شرایط یک شکایت، مهلت کوتاه‌تری برای پاسخ‌گویی از سوی بانک مرکزی تعیین شود. پس از دریافت پاسخ، همکاران ما آن را بررسی و نتیجه را به مشتری اعلام می‌کنند. اگر پاسخ قابل قبول نباشد یا مشخص شود که حق با مشتری است، بانک مکلف خواهد بود مطابق دستور بانک مرکزی اقدام اصلاحی انجام دهد و رضایت مشتری را جلب کند.

اگر بانک به نظر و تصمیم بانک مرکزی در فرایند رسیدگی به شکایت عمل نکند، چه ضمانت اجرایی وجود دارد؟

در این فرایند، اگر بانک نسبت به تصمیم بانک مرکزی اعتراضی داشته باشد، باید ظرف ۱۰ روز اعتراض خود را به بانک مرکزی منعکس کند. بانک مرکزی موضوع را بررسی می‌کند و تصمیم آن در این خصوص فصل‌الخطاب است.

اگر بانک از تصمیم بانک مرکزی تبعیت نکند، بر اساس اختیارات قانونی مقرر در ماده ۲۳ قانون بانک مرکزی، نه‌تنها اختیار، بلکه تکلیف داریم بانک یا مدیران متخلف را به هیئت انتظامی معرفی کنیم و از سازوکارهای انتظامی استفاده کنیم.

البته تأکید می‌کنم که هدف اصلی این ضوابط، صرفاً رسیدگی به شکایات نیست؛ بلکه بانک‌ها مکلف شده‌اند پیش از ایجاد نارضایتی، اقدامات لازم را برای رعایت حقوق مشتریان انجام دهند. با این حال، با توجه به گستردگی فعالیت بانک‌ها و تنوع خدمات و عملیات بانکی، ممکن است همچنان مواردی از بروز اختلاف یا شکایت وجود داشته باشد که برای آن نیز فرایندهای مشخصی پیش‌بینی شده است.

با توجه به گسترش بانکداری الکترونیک و دیجیتال، در ضوابط جدید چه تدابیری برای صیانت از مشتریان در این حوزه در نظر گرفته شده است؟

مجموعه مقرراتی که حوزه فناوری اطلاعات بانک مرکزی به نظام بانکی ابلاغ کرده، همچنان به قوت خود باقی است؛ اما در ضوابط جدید صیانت از مشتریان نیز در فصل‌های مختلف به این موضوع توجه شده است.

برای مثال، در بحث شمول مالی بر ضرورت توجه به بانکداری الکترونیک و دیجیتال تأکید شده است. در حوزه ارتقای سواد مالی مشتریان نیز بانک‌ها موظف شده‌اند پلتفرم‌ها و اپلیکیشن‌های خود را متناسب با سطح سواد مالی مشتریان طراحی و پیاده‌سازی کنند و آموزش‌ها و اطلاع‌رسانی‌های لازم را در اختیار مردم قرار دهند.

> **یکی از مهم‌ترین تفاوت‌ها و تمایزهای ضوابط جدید با مقررات قبلی، تغییر رویکرد از گذشته‌نگر به پیشگیرانه است. در دستورالعمل قبلی، تمرکز عمدتاً بر رسیدگی به شکایات پس از بروز مشکل بود، اما در ضوابط جدید تلاش شده است سازوکارهایی در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مستقر شود تا حقوق و منافع مشتریان از ابتدا به نحو شایسته رعایت شود و آمار شکایات و نارضایتی‌ها به حداقل ممکن کاهش پیدا کند.**
>
> **در واقع، رسیدگی به شکایات در این چارچوب همچنان وجود دارد، اما به‌عنوان یکی از حلقه‌های پایانی فرایند صیانت از مشتریان در نظر گرفته شده است. هدف اصلی این است که با مجموعه‌ای از اقدامات پیشگیرانه، اساساً شکایتی ایجاد نشود.**

همچنین در فصل مربوط به امنیت اطلاعات، بر ضرورت حفظ امنیت داده‌ها و اطلاعات مشتریان تأکید شده است. از سوی دیگر، اگر در سامانه‌های بانکی اختلالی ایجاد شود، اطلاع‌رسانی به مشتریان مورد توجه قرار گرفته و چنانچه این اختلال موجب وارد آمدن زیان به مشتریان شود، بانک طبق ضوابط مکلف به جبران خسارت خواهد بود.

بنابراین، موضوع فناوری اطلاعات، امنیت داده‌ها و نحوه ارائه خدمات الکترونیکی در بخش‌های مختلف این ضوابط مورد توجه قرار گرفته است.

در زمینه شفافیت اطلاعات و اطلاع‌رسانی به مشتریان چه تکالیفی برای بانک‌ها تعیین شده است؟

در حوزه شفافیت، بانک‌ها باید چند اقدام اساسی انجام دهند. نخست اینکه سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی که هیئت‌مدیره تدوین می‌کند و همچنین رویه‌های اجرایی مربوط به صیانت از مشتریان را به نحو مقتضی در اختیار مشتریان قرار دهند تا مردم بدانند بانک در این حوزه چه سیاست‌ها و رویه‌هایی را دنبال می‌کند.

علاوه بر این، بانک‌ها مکلف شده‌اند هر شش ماه یک‌بار گزارشی از شکایات دریافتی تهیه و منتشر کنند. در این گزارش باید مشخص شود شکایات بیشتر مربوط به چه موضوعاتی بوده و بانک برای اصلاح فرایندها و رفع مشکلات چه اقداماتی را در دستور کار قرار داده است.

در حوزه خدمات و عملیات بانکی نیز بانک‌ها باید اطلاعات لازم را به‌صورت شفاف در اختیار مشتریان قرار دهند. همچنین بانک‌ها باید خدمات خود را به‌گونه‌ای معرفی کنند که مشتریان بتوانند خدمات مشابه را در مؤسسات اعتباری مختلف با یکدیگر مقایسه کنند و بر اساس شرایط و منافع خود تصمیم بگیرند.

آیا در ضوابط جدید برای رعایت عدالت و انصاف در ارائه خدمات بانکی نیز الزامات مشخصی پیش‌بینی شده است؟

بله؛ یکی از محورهای این ضوابط، رفتار عادلانه و منصفانه با مشتریان است. بانک‌ها باید خدمات خود را بدون تبعیض، جانبداری و با رعایت انصاف ارائه کنند. همه مشتریان باید متناسب با نیاز خود اطلاعات کافی دریافت کنند و با آن‌ها برخورد مناسب و صادقانه داشته باشند.

ارائه اطلاعات نادرست به مشتریان یا گنجاندن شروط غیرمنصفانه در قراردادها و توافقات نیز با رویکرد این ضوابط مغایرت دارد. در واقع، بانک‌ها باید شرایط مشتریان را در نظر بگیرند و در ارائه خدمات، رفتار عادلانه و منصفانه‌ای داشته باشند.

با توجه به گسترش نئوبانک‌ها و پلتفرم‌های جدید ارائه خدمات مالی، آیا این مجموعه‌ها نیز مشمول ضوابط جدید هستند؟

نئوبانک‌هایی که در حال حاضر فعالیت می‌کنند، بانک‌های مستقلی نیستند، بلکه پلتفرم‌هایی هستند که ذیل بانک‌ها فعالیت می‌کنند و شخصیت مستقلی از بانک ندارند.

بنابراین، تمام الزاماتی که در این ضوابط برای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری پیش‌بینی شده، شامل این پلتفرم‌ها نیز می‌شود. حتی اگر بانکی بخشی از عملیات یا خدمات خود را برون‌سپاری کند، مسئولیت اصلی همچنان بر عهده بانک است و تمام الزامات این ضوابط، از جمله شفافیت در ارائه خدمات و عملیات بانکی، باید رعایت شود.

چه تفاوتی میان رویکرد جدید بانک مرکزی و نگاه سنتی بانک‌ها به موضوع مشتری‌مداری وجود دارد؟

تا پیش از این، آنچه بانک‌ها در حوزه ارتباط با مشتری دنبال می‌کردند، عمدتاً بر پایه اخلاق‌مداری یا مشتری‌مداری بود. از سوی دیگر، مشتری‌مداری نیز با هدف حفظ مشتری و افزایش سهم بازار دنبال می‌شد.

اما اکنون بانک مرکزی از منظر نظارتی وارد این موضوع شده است. به این معنا که اگرچه اخلاق‌مداری و مشتری‌مداری همچنان ارزشمند و معتبر هستند، اما بانک‌ها علاوه بر این موارد، مکلف به رعایت حداقل الزاماتی هستند که مقام ناظر تعیین کرده است.

در صورت عدم رعایت این الزامات، موضوع صرفاً به از دست دادن مشتری یا رعایت نکردن یک توصیه اخلاقی محدود نمی‌شود، بلکه ممکن است اقدامات انضباطی و تبعات حقوقی برای بانک، مدیر یا کارمند متخلف در پی داشته باشد.

نکته دیگر این است که پیش از این، موضوع صیانت از مشتریان عمدتاً به‌صورت دوطرفه و در ارتباط میان بانک و مشتری مطرح بود، اما اکنون ضلع سومی به این فرایند اضافه شده و آن مقام ناظر است. بانک مرکزی علاوه بر تنظیم‌گری، مسئولیت پیاده‌سازی این الزامات در نظام بانکی و نظارت بر اجرای آن‌ها را نیز بر عهده دارد.

نکته سوم اینکه همان‌طور که از عنوان ضوابط مشخص است، این مقررات حداقل الزامات صیانت از مشتریان را تعیین می‌کند. بنابراین بانک‌ها می‌توانند الزامات سخت‌گیرانه‌تر و اقدامات تکمیلی بیشتری را در حوزه‌هایی مانند شمول مالی، ارتقای سواد مالی و اخلاق حرفه‌ای تدوین و اجرا کنند و ما نیز از این موضوع استقبال می‌کنیم؛ اما رعایت حداقل‌های تعیین‌شده برای همه بانک‌ها الزامی است.

این ضوابط شامل چه محورهایی است و در زمینه دسترسی گروه‌های مختلف جامعه به خدمات بانکی چه اقداماتی را پیش‌بینی کرده است؟

ضوابط ابلاغی در ۱۲ فصل تدوین شده و از اصول دوازده‌گانه سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) الهام گرفته است؛ البته این اصول عیناً و به همان شکل در ضوابط بانک مرکزی منعکس نشده‌اند، زیرا برخی از آن‌ها ناظر بر تکالیف مقام ناظر هستند، در حالی که مقررات ما عمدتاً بر تکالیف بانک‌ها و مؤسسات اعتباری تمرکز دارد.

یکی از فصل‌های مهم این ضوابط به شمول مالی اختصاص دارد. در این بخش، بر ضرورت فراهم کردن دسترسی مناسب همه اقشار جامعه به خدمات بانکی، صرف‌نظر از جنسیت، سن، قومیت، دین، مذهب و وضعیت اقتصادی تأکید شده است. برای مثال، ارائه خدمات به افراد دارای معلولیت جسمی، نابینایان و ناشنوایان و مناسب‌سازی بسترهای لازم برای دسترسی و تردد این افراد در شعب بانکی مورد توجه قرار گرفته است.

همچنین دسترسی روستاییان، افراد واقع در دهک‌های پایین درآمدی، سرپرستان خانوار، کارآفرینان خرد و افراد تحت پوشش سازمان‌های حمایتی به خدمات بانکی مورد توجه قرار گرفته است.

در زمینه جانمایی خودپردازها نیز بانک‌ها باید به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که پوشش جغرافیایی حداکثری فراهم شود و دسترسی مشتریان به خدمات بانکی تسهیل شود.

در حوزه ارتقای سواد مالی مشتریان چه تکالیفی برای بانک‌ها در نظر گرفته شده است؟

یکی از موضوعات مهم در این ضوابط، آگاهی‌بخشی و ارتقای سواد مالی مشتریان است. به اعتقاد من، این فرایند باید از همین نقطه آغاز شود که مردم و مشتریان از حقوق خود در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مطلع شوند.

این ضوابط صرفاً برای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری تدوین نشده، بلکه چارچوبی را مشخص می‌کند که هر فرد هنگام مراجعه به بانک باید بداند چه حقوقی دارد و چه انتظاراتی می‌تواند از مؤسسه اعتباری داشته باشد.

مشتری آگاه، شریک بانک است. هرچه مشتریان نسبت به فرایندها، خدمات و عملیات بانکی آگاهی بیشتری داشته باشند، اجرای بهتر فرایندها و کاهش اختلافات و نارضایتی‌ها نیز امکان‌پذیرتر خواهد بود.

بخش قابل توجهی از مواردی که به‌عنوان شکایت به بانک مرکزی منعکس می‌شود، در واقع ماهیت شکایت ندارد و بیشتر تقاضا یا ناشی از بی‌اطلاعی مشتری از فرایندها و مقررات بانکی است.

به همین دلیل، بانک‌ها مکلف شده‌اند آموزش‌های مالی و بانکی لازم را در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی خود قرار دهند، راهنماهای مورد نیاز را تدوین کنند و در معرض دید مشتریان قرار دهند.

همچنین اطلاع‌رسانی درباره جوانب شرعی عملیات و خدمات بانکی نیز در این ضوابط مورد توجه قرار گرفته است. اطلاع‌رسانی مناسب در این زمینه می‌تواند از بروز خطا و اختلاف جلوگیری کند.

آیا در زمینه رقابت بانک‌ها و نحوه تبلیغات خدمات بانکی نیز مقرراتی پیش‌بینی شده است؟

بله؛ فصل چهارم این ضوابط به موضوع رقابت اختصاص دارد. بانک‌ها مکلف شده‌اند در ارائه خدمات و عملیات بانکی، رقابت سالم داشته باشند و از تبلیغات اغراق‌آمیز یا ارائه اطلاعات گمراه‌کننده خودداری کنند.

همچنین در حوزه رفتار عادلانه و منصفانه، بانک‌ها باید شرایط مشتریان را در نظر بگیرند و در اعطای تسهیلات، توانایی مشتری برای بازپرداخت را مدنظر قرار دهند.

یکی دیگر از موضوعاتی که در این زمینه مورد توجه قرار گرفته، جلوگیری از مشروط کردن دریافت یک خدمت بانکی به استفاده از خدمت دیگری است. بر اساس ضوابط جدید، بانک‌ها نمی‌توانند مشتری را به دریافت خدمات بانکی دیگر یا افتتاح حساب جدید ملزم کنند، مگر در مواردی که بانک مرکزی چنین اختیاری را به آن‌ها داده یا این موضوع را تکلیف کرده باشد.

بانک‌ها برای اطلاع‌رسانی درباره شرایط و مدارک مورد نیاز خدمات بانکی چه وظایفی خواهند داشت؟

یکی از تکالیف مهم بانک‌ها در حوزه افشا و شفافیت، اطلاع‌رسانی درباره فهرست مدارک و مستنداتی است که مشتریان برای دریافت خدمات و عملیات بانکی باید ارائه کنند. بانک‌ها موظف‌اند این فهرست را تهیه و از طریق روش‌های مقتضی به اطلاع مشتریان برسانند تا از مراجعات مکرر و نارضایتی‌های احتمالی جلوگیری شود.

همچنین پیش از انعقاد قرارداد، ویژگی‌های اصلی خدمت، منافع، ریسک‌ها، کارمزدها، نرخ وجه التزام و تعهدات طرفین باید به شکل مؤثر برای مشتری تبیین شود.

در شرایطی که اختلال مؤثر و زمان‌بر در سامانه‌های بانکی ایجاد می‌شود نیز بانک‌ها مکلف به اطلاع‌رسانی مناسب هستند. تجربه شرایط جنگی نشان داد که یکی از مطالبات مشتریان در زمان بروز اختلال، اطلاع‌رسانی به‌موقع بانک‌ها بود تا مردم از وضعیت خدمات مطلع باشند و بتوانند برای امور بانکی خود برنامه‌ریزی کنند.

آیا بانک مرکزی برای ارزیابی عملکرد بانک‌ها در حوزه صیانت از مشتریان نیز سازوکاری در نظر گرفته است؟

بله؛ در ضوابط جدید، بانک‌ها مکلف شده‌اند در دوره‌های شش‌ماهه رضایت مشتریان خود را ارزیابی کنند.

البته بانک مرکزی پیش از این نیز در این زمینه اقداماتی انجام داده است. سال گذشته دو اقدام مهم در حوزه ارزیابی بانک‌ها صورت گرفت. نخست، بانک‌ها را از منظر مقام ناظر و بر اساس شاخص‌های مشخص در حوزه صیانت از مشتریان رتبه‌بندی کردیم. در این ارزیابی، نقاط قوت و ضعف هر بانک مشخص شد و امتیاز و رتبه آن تعیین شد. اقدام دوم، نظرسنجی از مشتریان بانک‌ها بود تا میزان رضایت آن‌ها از عملکرد بانک‌ها در حوزه صیانت از مشتریان مشخص شود. در واقع، یک ارزیابی از منظر مقام ناظر و یک ارزیابی از منظر مشتریان انجام شد و نتایج و کارنامه مربوط نیز در اختیار خود بانک‌ها قرار گرفت تا از وضعیت عملکردشان آگاه شوند و برای بهبود آن اقدام کنند. اکنون بر اساس ضوابط جدید، خود بانک‌ها نیز مکلف هستند این ارزیابی را به‌صورت دوره‌ای انجام دهند.

آیا تدوین منشور حقوق مشتریان و معرفی بانک‌های برتر نیز در دستور کار قرار گرفته است؟

بله؛ بر اساس این ضوابط، بانک‌ها موظف شده‌اند منشور حقوق مشتریان را تدوین کنند و آن را در اختیار کارکنان و مشتریان قرار دهند تا همکاران شبکه بانکی با این حقوق آشنا باشند و در ارائه خدمات نیز آن‌ها را رعایت کنند. این منشور در واقع برگرفته از موضوعات و الزامات پیش‌بینی‌شده در همین ضوابط است.

از سوی دیگر، بانک مرکزی نیز بر اساس این مقررات، بانک‌ها را ارزیابی و رتبه‌بندی خواهد کرد و بانک‌های برتر در حوزه صیانت از مشتریان را معرفی می‌کند. هیئت عالی این اختیار را به بانک مرکزی داده است و این اقدام می‌تواند زمینه ایجاد فضای رقابتی میان بانک‌ها و مؤسسات اعتباری را در حوزه صیانت از مشتریان فراهم کند.

امیدواریم این ضوابط، چه در مرحله تنظیم‌گری و چه در مرحله اجرا، پیاده‌سازی و نظارت، منافع و آثار مثبتی برای عموم مردم و یکایک مشتریان بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به همراه داشته باشد.

برنامه واگذاری اموال دولت بررسی شد

از وعده ۱۰۸ همتی تا تغییر مسیر؛ صندوق جدید در راه مولدسازی



گزارش

تجربه ۹ساله مولدسازی دارایی‌های دولت نشان می‌دهد که این طرح تاکنون در تحقق اهداف خود ناکام مانده است؛ با این حال، دولت چهاردهم اکنون با معرفی صندوق مولدسازی، به دنبال ایجاد سازوکاری جدید برای به جریان انداختن دارایی‌های راکد دولت و تأمین منابع مالی است.

طرح مولدسازی دارایی‌های دولت که با هدف تبدیل اموال و دارایی‌های راکد و مازاد دولت به منابع مالی برای تکمیل پروژه‌های عمرانی و کاهش فشار بر بودجه عمومی مطرح شد، از زمان رونمایی در دولت سیزدهم تاکنون فراز و نشیب‌های مختلفی را پشت سر گذاشته است. این طرح در ابتدا با پیش‌بینی مولدسازی ۱۰۸ هزار میلیارد تومان از دارایی‌های دولت آغاز شد، اما اکنون با مطرح شدن راه‌اندازی صندوق مولدسازی دارایی‌های دولت، وارد مرحله جدیدی از طراحی سازوکار تأمین مالی شده است.

نکته مهم در بررسی عملکرد این طرح، تفکیک سه موضوع از یکدیگر است: ارزش دارایی‌های شناسایی‌شده، میزان دارایی‌های تعیین‌تکلیف‌شده و منابع مالی واقعاً وصول‌شده از محل مولدسازی. این سه شاخص لزوماً برابر نیستند و نمی‌توان ارزش دارایی‌های شناسایی‌شده را به‌عنوان درآمد تحقق‌یافته دولت در نظر گرفت.

پیشینه مولدسازی؛ طرحی که پیش از دولت سیزدهم مطرح شده بود

اگرچه طرح مولدسازی دارایی‌های دولت در دولت سیزدهم به یکی از برنامه‌های مهم اقتصادی تبدیل شد، اما سابقه این سیاست به سال‌های قبل بازمی‌گردد. دولت‌ها از سال‌ها قبل در قوانین بودجه مکلف بودند بخشی از اموال و دارایی‌های مازاد خود را به فروش برسانند و منابع حاصل را برای تأمین هزینه‌های عمومی و اجرای پروژه‌های عمرانی به کار بگیرند.

بر اساس گزارشی که فکت‌نامه با استناد به داده‌های مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر کرده، مجموع درآمد دولت از محل فروش اموال مازاد در فاصله سال ۱۳۹۶ تا هشت‌ماهه نخست سال ۱۴۰۱ حدود ۱۱ هزار میلیارد تومان بود. این رقم نشان می‌دهد که با وجود پیش‌بینی منابع قابل‌توجه در قوانین بودجه، عملکرد دولت‌ها در تبدیل دارایی‌های مازاد به درآمد نقدی محدود بوده است.

در دولت دوازدهم نیز موضوع مولدسازی مورد توجه قرار گرفت. در بهمن ۱۳۹۸، فرهاد دژپسند، وزیر وقت اقتصاد، از برآورد حدود ۴۵ هزار میلیارد تومانی منابع حاصل از مولدسازی سخن گفته بود. با این حال، اجرای این سیاست در سال‌های بعد نیز با موانعی از جمله مقاومت دستگاه‌های اجرایی در واگذاری اموال، دشواری شناسایی دارایی‌های مازاد و پیچیدگی فرایند فروش روبه‌رو شد.

بهمن ۱۴۰۱؛ آغاز رسمی مرحله جدید مولدسازی

در دولت سیزدهم، طرح مولدسازی با سازوکاری متفاوت و اختیارات گسترده‌تر برای تعیین تکلیف اموال دولتی دنبال شد.

مصوبه مولدسازی دارایی‌های دولت در شصت‌وهفتمین جلسه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا در ۲۱ آبان ۱۴۰۱ به تأیید رسید و در ادامه، هیئت عالی مولدسازی دارایی‌های دولت با حضور نمایندگان و مسئولان ارشد قوا تشکیل شد. این هیئت مأموریت داشت فرایند شناسایی و تعیین تکلیف دارایی‌های مازاد دولت را تسریع کند.

در بهمن ۱۴۰۱، سید احسان خاندوزی، وزیر وقت امور اقتصادی و دارایی، از فاز نخست سامانه مولدسازی دارایی‌های دولت رونمایی کرد. در گزارش‌های منتشرشده از مراسم رونمایی در ۲۳ بهمن ۱۴۰۱، هدف این سامانه، شفاف‌سازی اطلاعات دارایی‌ها، انتشار مستندات و فراهم کردن امکان معرفی اموال راکد و پیشنهادهای سرمایه‌گذاری عنوان شد.

در همین مقطع، دولت برای سال ۱۴۰۲ حدود ۱۰۸ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان درآمد از محل فروش و واگذاری اموال منقول و غیرمنقول پیش‌بینی کرده بود. این رقم در مقایسه با عملکرد سال‌های قبل، هدفی بسیار بلندپروازانه به شمار می‌رفت؛ به‌گونه‌ای که دولت انتظار داشت در یک سال، منابعی چندین برابر درآمدهای محقق‌شده در سال‌های گذشته از این محل به دست آورد.

کارنامه مولدسازی؛ فاصله چشمگیر میان پیش‌بینی و عملکرد

با وجود تعیین اهداف بزرگ برای مولدسازی، آمارهای منتشرشده از سوی دیوان محاسبات نشان می‌دهد که تحقق درآمدهای پیش‌بینی‌شده در سال‌های نخست اجرای طرح با مشکلات جدی مواجه بوده است.

سال ۱۴۰۲؛ تحقق کمتر از یک درصد منابع پیش‌بینی‌شده

بر اساس گزارش دیوان محاسبات کشور که در آذر ۱۴۰۳ منتشر شد، درآمد حاصل از فروش اموال و دارایی‌های منقول و غیرمنقول مازاد دولت در سال ۱۴۰۲ حدود ۹۰۷ میلیارد تومان بود؛ رقمی که کمتر از یک درصد منابع پیش‌بینی‌شده را تشکیل می‌داد.

با در نظر گرفتن رقم حدود ۱۰۸ هزار و ۸۰۰ میلیارد تومانی پیش‌بینی‌شده در بودجه، میزان تحقق منابع در حدود ۰.۸ درصد بوده است. به این ترتیب، بخش عمده درآمدی که دولت انتظار داشت از محل مولدسازی به دست آورد، محقق نشد.

دیوان محاسبات همچنین بر نبود یک قانون دائمی و تخصصی برای مولدسازی دارایی‌های دولت تأکید کرده و اصلاح قوانین پراکنده و ناکارآمد این حوزه را ضروری دانسته بود.

سال ۱۴۰۳؛ تداوم چالش تحقق درآمدها

عملکرد مولدسازی در سال ۱۴۰۳ نیز با فاصله میان ارقام پیش‌بینی‌شده و منابع محقق‌شده همراه بود.

بر اساس گزارش منتشرشده از پایش دیوان محاسبات در اردیبهشت ۱۴۰۴، از ۶۲ هزار میلیارد تومان منابع مصوب در بخش فروش و واگذاری اموال منقول و غیرمنقول، تنها ۶ هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان محقق شد؛ معادل حدود ۱۰.۳ درصد رقم مصوب.

در گزارشی دیگر از دیوان محاسبات که در اسفند ۱۴۰۳ منتشر شد، به رقم متفاوتی اشاره شده بود: از ۴۱ هزار و ۲۶۸ میلیارد تومان منابع مصوب در یک بخش از واگذاری اموال مازاد دولت، تا ابتدای اسفند تنها حدود یک درصد وصول شده بود. این ارقام به دوره‌های گزارش‌دهی و مبانی محاسباتی متفاوت مربوط‌اند و نباید بدون تفکیک با یکدیگر مقایسه شوند.

سال ۱۴۰۴؛ تحقق تنها ۳.۴ درصد از منابع پیش‌بینی‌شده

بر اساس گزارش دیوان محاسبات کشور که در شهریور ۱۴۰۵ منتشر شد، منابع پیش‌بینی‌شده در قانون بودجه سال ۱۴۰۴ از محل مولدسازی اموال منقول و غیرمنقول، پس از کسر ۷۰ هزار میلیارد تومان بابت تسویه مطالبات تأمین اجتماعی از دولت، به ۲۵۴ هزار و ۹۵۰ میلیارد تومان رسید. از این رقم، تنها ۳.۴ درصد، معادل حدود ۸ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان محقق شد.

دیوان محاسبات، تأخیر ۲۲ماهه در ابلاغ دستورالعمل‌های ارزیابی و تعیین بسته‌های سرمایه‌گذاری، ارائه فهرست‌های غیرمرتبط از سوی برخی دستگاه‌های اجرایی و توقف آیین‌نامه تأمین مالی خارجی به دلیل ابهامات فنی را از جمله موانع اجرای طرح عنوان کرده است.

این آمار نشان می‌دهد که افزایش اهداف بودجه‌ای، به‌تنهایی نتوانسته است به رشد متناسب منابع وصول‌شده از محل مولدسازی منجر شود.

مرکز پژوهش های مجلس نیز در گزارشی که در سال ۱۴۰۴ منتشر کرده، عملکرد کلی فروش و مولدسازی داراییها از جهت ارزش ریالی بررسی کرده است. در جدول زیر مقادیر مصوب و عملکرد «فروش و واگذاری اموال منقول و غیرمنقول» را در قوانین بودجه از سال ۱۳۹۶ تا سال ۱۴۰۴ نشان می دهد. بررسی ارقام اسمی و ارقام حقیقی (با خارج کردن اثر تورم) حاوی این نکته است که پیش و پس از اجرای مصوبه مولدسازی دارایی‌های دولت (زمان شروع اجرای مصوبه با توجه به زمان طی شده برای تدوین آیین‌نامه‌ها و ... عملاً از ابتدای سال ۱۴۰۲ بوده است)، شاهد تغییر ویژه‌ای در عملکرد نیستیم.

صندوق مولدسازی؛ تغییر مسیر از فروش مستقیم به تأمین مالی

در ادامه این روند، وزارت امور اقتصادی و دارایی در آبان ۱۴۰۵ از راه‌اندازی صندوق مولدسازی دارایی‌های دولت خبر داد؛ سازوکاری که قرار است شیوه استفاده از اموال دولتی برای تأمین مالی را تغییر دهد.

علی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی، در جلسه هیئت عالی مولدسازی دارایی‌های دولت اعلام کرد که فرایند قرار دادن دارایی‌ها در صندوق ابتدا از مجموعه خود وزارت اقتصاد آغاز شده است تا مراحل اجرایی این روش در عمل ارزیابی شود.

بر اساس توضیحات وزیر اقتصاد، در این سازوکار، دارایی‌های دستگاه‌های اجرایی در صندوق قرار می‌گیرند و در مقابل، واحدهای سرمایه‌گذاری یا «یونیت» به دستگاه‌ها واگذار می‌شود. دستگاه‌های اجرایی می‌توانند این واحدها را برای تأمین منابع مالی و نقدینگی به فروش برسانند یا مستقیماً به پیمانکاران واگذار کنند.

مدنی‌زاده هدف از آغاز طرح با دارایی‌های وزارت اقتصاد را اجرای آزمایشی تمام مراحل، از ابتدا تا انتها، عنوان کرد. به گفته او، پیش‌بینی می‌شد این فرایند ظرف یک تا دو هفته به پایان برسد و پس از نهایی شدن، گزارشی جامع در هیئت دولت ارائه شود تا سایر دستگاه‌های اجرایی نیز با نحوه عملکرد این مدل آشنا شوند.

صندوق مولدسازی چه تفاوتی با فروش مستقیم اموال دارد؟

در روش سنتی، دولت برای تأمین منابع مالی باید دارایی مازاد خود را شناسایی کند، ارزش‌گذاری انجام دهد و آن را از طریق سازوکارهایی مانند مزایده به فروش برساند. این فرایند ممکن است به دلیل مسائل حقوقی، اختلاف بر سر ارزش دارایی یا طولانی شدن تشریفات اداری با تأخیر مواجه شود.

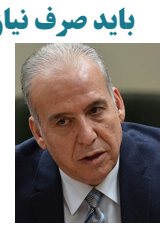
در مدل صندوق، قرار است دارایی‌ها در قالب یک ابزار مالی مورد استفاده قرار گیرند و دستگاه اجرایی به‌جای انتظار برای فروش مستقیم ملک، واحدهای سرمایه‌گذاری دریافت کند. این واحدها می‌توانند به فروش برسند یا برای پرداخت به پیمانکاران مورد استفاده قرار گیرند.

از منظر تأمین مالی، این سازوکار می‌تواند امکان استفاده از دارایی‌های کم‌تحرک دولت را بدون نیاز به فروش فوری و مستقیم هر ملک فراهم کند. با این حال، موفقیت آن به نحوه ارزش‌گذاری دارایی‌ها، میزان استقبال سرمایه‌گذاران، نقدشوندگی واحدهای صندوق، شفافیت معاملات و سازوکار نظارت بستگی خواهد داشت.

همچنین باید توجه داشت که واگذاری واحدهای صندوق به پیمانکاران یا دستگاه‌های اجرایی، لزوماً به معنای ایجاد درآمد نقدی جدید برای دولت نیست. ارزیابی عملکرد صندوق باید بر اساس منابع نقدی جذب‌شده، ارزش دارایی‌های منتقل‌شده، تعهدات ایجادشده و هزینه‌های اجرای طرح انجام شود.

گفت‌وگو

وقت توسعه تجارت نیست؛ ارز کشور باید صرف نیازهای ضروری شود



مجیدرضا حریری؛ رئیس اتاق بازرگانی ایران و چین با تأکید بر ضرورت تغییر سیاست‌های ارزی و تجاری در شرایط جنگی اظهار کرد: اولویت کشور باید تأمین غذا و دارو و حفظ معیشت مردم باشد، نه توسعه کسب‌وکارها و واردات کالاهای غیرضروری. وی گفت: حتی شاید لازم باشد در چنین شرایطی فعالان اقتصادی برای چند ماه هزینه پرسنل خود را از دارایی‌هایشان تأمین کنند و برای فشار آوردن به حاکمیت، سیاست‌گذاری ارزی را بهانه نکنند. در شرایط جنگی، اختیار تعیین اولویت واردات باید در دست حاکمیت باشد. حریری ادامه داد: اکنون نرخ ارز مبادله‌ای حدود ۱۹۰ هزار تومان است اما قیمت در بازار آزاد به ۲۷۰ هزار تومان می‌رسد، یعنی روی هر دلار ۸۰ هزار تومان سود وجود دارد. طبیعی است که در چنین شرایطی تقاضای کاذب ایجاد شود.

وی افزود: از سوی دیگر افراد ترجیح می‌دهند هر مقدار پول دارند به کالا تبدیل کنند، چون پیش‌بینی می‌کنند قیمت دلار در روزهای آینده باز هم افزایش پیدا کند. اما در زمان جنگ و محدودیت دسترسی به ارز، باید حاکمیت تعیین کند چه کالایی در اولویت واردات قرار دارد.

این عضو اتاق بازرگانی اظهار کرد: باید بپذیریم اکنون وقت توسعه تجارت نیست. ما در شرایط جنگی هستیم و باید درباره واردات و صادرات با نگاه شرایط جنگی تصمیم بگیریم. حریری ادامه داد: باید یک کمیته ویژه تشکیل شود و مشخص کند مثلاً اگر ۱۰ میلیارد دلار ارز داریم، اولویت اول کشور چیست. آیا مبلمان هم جزو اولویت‌هاست؟ قطعاً نه. اولویت امروز سلامت مردم، معیشت، غذا و داروست.

ولخرجی ارزی ممنوع!

رئیس اتاق مشترک ایران و چین افزود: باید منابع ارزی را به ترتیب اولویت هزینه کنیم. ابتدا نیازهای غذایی و دارویی مردم را تأمین کنیم و بعد به حفظ اشتغال برسیم. حتی مواد اولیه کارخانه‌هایی که تولیدات داخلی را تأمین می‌کنند، در رده بعدی قرار می‌گیرند. وی ادامه داد: در این شرایط، واردات هر کالای غیرضروری باید ممنوع باشد. اینکه کسی به فکر واردات پارچه برای تولید مبلمان باشد یا دیگری بخواهد کسب‌وکارش را توسعه دهد و ماشین‌آلات وارد کند، با شرایط فعلی تناسبی ندارد. اصلاً جنگ، زمان توسعه کسب‌وکارها نیست. در حال حاضر زمان حفظ وضع موجود و تأمین حداقل‌های زندگی مردم است. این فعال بازرگانی در عین حال تصریح کرد: باید تصور کنیم ارزی که امروز در اختیار داریم، ممکن است سه ماه دیگر در دسترس نباشد. بنابراین باید این منابع را با صرفه‌خرج کنیم، نه با ولخرجی.

در اقتصاد هم باید آرایش جنگی داشته باشیم

حریری همچنین به مسئولیت‌های بانک مرکزی در این شرایط اشاره کرد و گفت: بانک مرکزی نه تنها باید تمام ارزهای حاصل از صادرات (چه نفتی و چه غیرنفتی) را از نظر تخصیص و قیمت تحت کنترل و نظارت داشته باشد؛ بلکه باید اولویت‌بندی دقیقی هم برای واردات کالاها انجام شود تا به شرایط عادی برگردیم. رئیس اتاق ایران و چین افزود: شرایط عادی، مربوط به زمان عادی است. آن زمان می‌توان درباره مقررات تجدیدنظر اساسی کرد. همان‌طور که در حوزه نظامی و مدیریت بحران، پُز جنگی گرفته‌ایم، در اقتصاد هم باید پُز و آرایش جنگی داشته باشیم. حریری در ادامه وضعیت بازار داخل را هم مورد اشاره قرار داد و گفت: اکنون مسئله اصلی در بسیاری حوزه‌های کاری، بحران مشتری است. در بسیاری موارد حتی اگر یک واردکننده حتی یک میلیون دلار ارز هم بگیرد و کالا وارد کند، مشتری کافی برای آن وجود نداشته و کالاها در انبار می‌مانند. بسیاری از واردکنندگان هم با همین مشکل مواجه‌اند و بازار کشش کالاهایشان را ندارد.

وی با اشاره به اینکه برخی می‌خواهند از شرایط جنگی هم منفعت ببرند، تصریح کرد: هر کسی که فکر می‌کند در این مملکت صاحب بنگاه اقتصادی است، باید بداند دارایی‌اش را از محل فعالیت در همین مملکت و با همکاری پرسنلش به دست آورده است. چه اشکالی دارد که حالا چند ماه هزینه پرسنلش را از دارایی‌هایش بدهد؟

حریری تصریح کرد: فشار آوردن به حاکمیت برای سیاست‌گذاری در حوزه هزینه‌کرد ارز، مثل فشار آوردن کسانی است که می‌گویند باید جنگ کنیم یا کسانی که اصرار دارند مذاکره کنیم. در عالم سیاست، هر دوی این فشارها بی‌ربط است. باید به مدیریت حاکمیتی اعتماد کرد؛ مدیریتی که توانسته بیش از یک سال و نیم با ابرقدرت دنیا بجنگد؛ باید به آن اطمینان کرد و اجازه داد کار خودش را انجام دهد.

رشد ۲۵درصدی تامین ارز دارو در مقایسه با سال گذشته

واردات

تأمین ارز دارو و تجهیزات پزشکی از ابتدای سال ۱۴۰۵ تا ۱۷ آبان‌ماه با رشد ۲۵ درصدی نسبت به مدت مشابه سال گذشته، به ۳ میلیارد و ۵۷۴ میلیون دلار رسید. این رقم در مدت مشابه سال گذشته ۲ میلیارد و ۸۶۸ میلیون دلار بود. همچنین میزان تخصیص ارز به این بخش در دوره مورد بررسی به ۴ میلیارد و ۲۳۵ میلیون دلار رسیده است؛ در حالی که این رقم در مدت مشابه سال گذشته ۳ میلیارد و ۲۹۰ میلیون دلار بود.

تخصیص ۱۵۳۰ هزار میلیارد ریال تسهیلات به شرکت‌های دارویی

بانک مرکزی علاوه بر اقدامات ارزی، حمایت از شرکت‌های دارویی و تجهیزات پزشکی را از طریق تسهیلات ریالی نیز دنبال کرده است. بر این اساس، اختصاص ۱۵۰۰ هزار میلیارد ریال تسهیلات از محل منابع داخلی بانک‌های عامل برای شرکت‌های معرفی‌شده از سوی سازمان غذا و دارو در نظر گرفته شد که میزان پرداختی تا ۱۷ آبان‌ماه به ۱۵۳۰ هزار میلیارد ریال رسیده است. همچنین با مصوبه هیأت عالی بانک مرکزی، سقف تسهیلات و تعهدات قابل پرداخت به شرکت‌های دارویی، تجهیزات پزشکی، تولیدکنندگان شیرخشک و غذاهای ویژه از ۹۰ درصد به ۱۵۰ درصد فروش سال قبل افزایش یافته است. سقف اعتباری تسهیلات و تعهدات کلان نیز به ۳۰ درصد سرمایه پایه بانک‌ها افزایش یافته و برخی محدودیت‌های بانکی مرتبط با چک برگشتی رفع‌سوءاثرنشده و بدهی غیرجاری اشخاص هم‌گروه ذی‌نفع واحد برای شرکت‌های معرفی‌شده از سوی وزارت بهداشت تا پایان سال ۱۴۰۵ اعمال نمی‌شود.

استفاده از اوراق گام برای خرید مدت‌دار ارز

بانک مرکزی همچنین امکان استفاده شرکت‌های واردکننده اقلام سلامت‌محور از اوراق گواهی اعتبار مولد (گام) را تمدید کرده است. بر اساس بخشنامه ابلاغی، این شرکت‌ها با تأیید وزارت بهداشت می‌توانند از طریق ارائه اوراق گام، ارز مورد نیاز خود را به‌صورت مدت‌دار خریداری کنند. این سازوکار با هدف کاهش فشار نقدینگی اولیه و کمک به حفظ سرمایه در گردش شرکت‌های فعال در حوزه سلامت اجرا می‌شود.



ژاپن ۹۷ میلیارد دلار برای حمایت از ارزش ین هزینه کرد

مداخله ارزی؛ نسخه مشترک بانک‌های مرکزی دنیا

جهان

تجربه ژاپن بار دیگر نشان داد مداخله ارزی یکی از ابزارهای متعارف سیاست‌گذاری اقتصادی برای مقابله با نوسانات شدید و بی‌ثبات‌کننده بازار ارز است؛ ابزاری که در روزهای اخیر نام بانک مرکزی ایران را نیز به میان آورده و اهمیت مدیریت بازار ارز و صیانت از ارزش پول ملی را برجسته کرده است.



بازار ارز ژاپن به تازگی شاهد یکی از سنگین‌ترین مداخلات ارزی تاریخ این کشور بوده است. وزارت دارایی ژاپن در تازه‌ترین گزارش رسمی خود تأیید کرد که دولت این کشور طی سه روز در تابستان ۲۰۲۶، مجموعاً ۱۵.۴ تریلیون ین، معادل حدود ۱۰۰ میلیارد دلار، برای حمایت از ارزش پول ملی وارد بازار ارز شده است. این عملیات که با خرید ین و فروش دلار انجام شد، بزرگ‌ترین مداخله ماهانه ژاپن برای تقویت پول ملی محسوب می‌شود و بار دیگر اهمیت استفاده از ابزارهای فعال سیاست‌گذاری برای مقابله با نوسانات شدید ارزی را نشان می‌دهد.

بر اساس اطلاعات وزارت دارایی ژاپن، این کشور در ۳۰ ژوئیه ۷.۹۸ تریلیون ین، معادل حدود ۵۰.۴ میلیارد دلار، در بازار ارز مداخله کرد که رکورد بزرگ‌ترین مداخله روزانه این کشور را به ثبت رساند. در ۳۱ ژوئیه نیز ۵.۵۵ تریلیون ین و در سوم اوت ۱.۸۷ تریلیون ین دیگر برای خرید ین اختصاص یافت. مجموع این سه عملیات به ۱۵.۴ تریلیون ین، معادل حدود ۹۷.۲ میلیارد دلار، رسید.

مداخله ارزی؛ ابزاری قانونی و شناخته‌شده در اقتصاد جهان

آنچه تجربه ژاپن نشان می‌دهد این است که دولت‌ها و بانک‌های مرکزی در شرایطی که بازار ارز با نوسانات شدید، رفتارهای غیرعادی یا فشارهای مخرب مواجه می‌شود، می‌توانند از مداخله مستقیم ارزی به‌عنوان یکی از ابزارهای سیاست‌گذاری استفاده کنند.

در بسیاری از اقتصادهای جهان، مداخله ارزی با هدف جلوگیری از نوسانات بی‌ثبات‌کننده، کاهش فشارهای سفته‌بازانه و ایجاد شرایط باثبات‌تر برای فعالیت‌های اقتصادی انجام می‌شود. این اقدامات، در چارچوب قوانین و اختیارات نهادهای مسئول، بخشی از ابزارهای متعارف مدیریت بازار ارز هستند و نباید به‌صورت خودکار با دستکاری غیرقانونی بازار یکسان تلقی شوند.

مداخله ارزی زمانی اثربخشی بیشتری دارد که از پشتوانه منابع کافی، سیاست‌گذاری منسجم و هماهنگی با سایر متغیرهای اقتصادی برخوردار باشد. البته باید توجه داشت که مداخله به‌تنهایی نمی‌تواند مشکلات بنیادی اقتصاد یا عوامل ساختاری تضعیف پول ملی را برطرف کند.

مداخله ژاپن چقدر در تقویت ین موثر بوده؟

بلومبرگ در گزارشی به نتایج اولیه قابل توجه مداخله ژاپن اشاره می‌کند. این عملیات توانست در کوتاه‌مدت بر بازار اثر بگذارد و ارزش ین را از محدوده نزدیک به ۱۶۴ ین در برابر هر دلار به سطوح پایین‌تر برساند. نرخ برابری ین در اوایل سپتامبر به حدود ۱۵۲.۸۹ رسید، اما پس از آن بخشی از رشد خود را از دست داد و در معاملات روز دوشنبه نهم نوامبر در محدوده ۱۵۸.۳۰ ین در برابر دلار قرار گرفت. این روند نشان می‌دهد مداخله مستقیم می‌تواند سرعت نوسانات را کاهش دهد و حتی در کوتاه‌مدت جهت حرکت بازار را تغییر دهد؛ اما حفظ دستاوردهای آن به عوامل بنیادی اقتصاد، سیاست‌های پولی و مدیریت انتظارات بازار نیز وابسته است.

مداخله ارزی؛ ابزار همیشگی ژاپن برای دفاع از ین، از ۱۹۹۱ تا امروز

مداخله اخیر ژاپن اتفاقی بی‌سابقه در سیاست ارزی این کشور نیست. رویترز نیز در گزارشی به تاریخچه مداخلات ارزی ژاپن اشاره کرده؛ توکیو طی بیش از سه دهه بارها برای مدیریت نوسانات ارزش ین وارد بازار شده و در سال‌های اخیر نیز مبالغ قابل توجهی را به این سیاست اختصاص داده است.

ژاپن در آوریل و مه ۲۰۲۶ حدود ۱۱.۷ تریلیون ین، معادل ۷۲.۵ میلیارد دلار، برای خرید ین و حمایت از ارزش پول ملی خود هزینه کرد.

در سال ۲۰۲۴ نیز مجموع مداخلات این کشور در آوریل و مه به حدود ۹.۷۹ تریلیون ین و در ژوئیه به ۵.۵۳ تریلیون ین رسید. در اکتبر ۲۰۲۲ نیز حدود ۶.۳۵ تریلیون ین، معادل ۴۲.۸ میلیارد دلار، برای تقویت پول ملی اختصاص یافت.

سابقه این اقدامات حتی به دهه‌های قبل‌تر بازمی‌گردد. ژاپن در سال ۲۰۱۱ با همراهی کشورهای گروه هفت برای مدیریت جهش ارزش ین پس از زلزله و سونامی بزرگ این کشور وارد بازار شد. همچنین در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۴، در یک دوره ۱۵ماهه، حدود ۳۵ تریلیون ین برای مقابله با افزایش بیش از اندازه ارزش پول ملی هزینه کرد.این سابقه نشان می‌دهد مداخله ارزی در ژاپن نه یک تصمیم مقطعی، بلکه یکی از ابزارهای تکرارشونده سیاست‌گذاری اقتصادی بوده است؛ ابزاری که بسته به شرایط بازار، هم برای جلوگیری از تضعیف بیش از اندازه پول ملی و هم برای مقابله با تقویت بیش از حد آن به کار گرفته شده است.

موج مداخلات ارزی در آسیا

مداخله ژاپن اتفاقی منفرد نیست. در ماه‌های اخیر، فشار بر ارزهای آسیایی در پی تنش‌های ژئوپلیتیکی، افزایش قیمت انرژی و تقاضای بیشتر برای دلار، چندین بانک مرکزی را نیز به استفاده از ابزار مداخله ارزی وادار کرده است.

در کره جنوبی، هم‌زمان با عملیات ژاپن در ژوئیه ۲۰۲۶، مقام‌های ارزی برای حمایت از وون اقدام به فروش دلار کردند. رویترز با استناد به منابع بازار و اظهارات مقام‌های کره‌ای از هماهنگی این اقدامات با ژاپن خبر داد. وون نیز پس از این تحولات در همان روز حدود ۲ درصد تقویت شد.

در هند نیز بانک مرکزی در ماه مارس ۲۰۲۶ برای حمایت از روپیه و جلوگیری از تداوم سقوط آن، با فروش دلار وارد بازار شد. این روند در ماه سپتامبر شدت بیشتری گرفت؛ به‌طوری‌که خبرگزاری رویترز به نقل از شش بانکدار در گزارشی اشاره کرده بود که بانک مرکزی هند در یک هفته دست‌کم ۸ میلیارد دلار و بنا بر برخی برآوردها تا ۱۵ میلیارد دلار ارز فروخته است. این عملیات در شرایطی انجام شد که ذخایر ارزی قابل‌توجه هند، امکان مانور بیشتری برای سیاست‌گذار پولی فراهم کرده بود.

اندونزی نیز از دیگر نمونه‌های قابل توجه است. بانک مرکزی این کشور در آوریل ۲۰۲۶ رسماً اعلام کرد برای حمایت از روپیه و جلوگیری از نوسانات شدید، در بازار نقدی و قراردادهای آتی ارز مداخله کرده است. این اقدام پس از رسیدن ارزش پول ملی اندونزی به پایین‌ترین سطح تاریخی خود در برابر دلار و در شرایط افزایش فشارهای ناشی از تنش‌های خاورمیانه انجام شد.

تایوان نیز سابقه قابل توجهی در این زمینه دارد. بر اساس گزارش وزارت خزانه‌داری آمریکا در ژانویه ۲۰۲۶، بانک مرکزی تایوان در چهار فصل منتهی به ژوئن ۲۰۲۵، خالصاً ۵.۹ میلیارد دلار ارز خارجی خریداری کرده بود. هدف این اقدامات مقابله با فشارهای شدید بازار و مدیریت نوسانات نرخ ارز بود. بنابراین، مداخله ارزی بخشی از جعبه‌ابزار سیاست‌گذاری بانک‌های مرکزی در اقتصاد جهانی است. تفاوت کشورها بیشتر در میزان منابع در دسترس، شیوه اجرا و شرایط اقتصادی آنهاست، نه در اصل استفاده از این ابزار.

ایران هم در مسیر مدیریت فعال بازار ارز

در ایران نیز بانک مرکزی با ورود مستقیم به بازار اسکناس، مدیریت نوسانات ارزی و حمایت از ارزش پول ملی را در دستور کار قرار داده است. عبدالناصر همتی، رئیس‌کل بانک مرکزی، طی روزهای گذشته از آغاز عرضه ۲ میلیارد دلار ارز به بازار خبر داده و تأکید کرده است که این بانک منابع ارزی لازم برای پاسخ‌گویی به تقاضا و کنترل نوسانات را در اختیار دارد. بر این اساس، عرضه ارز از طریق بانک‌های منتخب و متناسب با نیاز بازار ادامه خواهد یافت و هر فرد بالای ۱۸ سال نیز می‌تواند تا سقف ۱۰ هزار دلار خریداری کند. همتی همچنین با اشاره به گذشت یک ماه از آغاز این سیاست، زمان کنونی را فرصتی مناسب برای ارزیابی نتایج مداخله ارزی بانک مرکزی دانسته است.

این اقدام را می‌توان نشانه‌ای از رویکرد فعال بانک مرکزی در مواجهه با نوسانات بازار ارز دانست؛ رویکردی که بر افزایش عرضه، پاسخ‌گویی به تقاضا و مقابله با انتظارات بی‌ثبات‌کننده متمرکز است. همان‌طور که تجربه ژاپن و دیگر اقتصادهای بزرگ نشان می‌دهد، سیاست‌گذاران پولی در شرایط پرنوسان بازار ارز، صرفاً به سازوکار عرضه و تقاضا اکتفا نمی‌کنند و در صورت ضرورت، از ابزار مداخله مستقیم نیز بهره می‌گیرند. از این منظر، اصل ورود بانک مرکزی ایران به بازار ارز را باید در چارچوب ابزارهای متعارف سیاست‌گذاری اقتصادی ارزیابی کرد. مسئله اصلی، نحوه استفاده از این ابزار برای ایجاد ثبات در بازار است.

تداوم اثربخشی این سیاست نیز به استمرار عرضه متناسب با نیاز بازار، هماهنگی با سایر سیاست‌های اقتصادی و تقویت اعتماد عمومی به سیاست‌گذار پولی وابسته است؛ عواملی که می‌توانند مداخله ارزی را از یک اقدام کوتاه‌مدت به گامی مؤثر در مسیر ثبات بازار ارز تبدیل کنند.

رویای مهار تورم در آمریکا؛ چالش تازه ترامپ با گرانی‌ها

بازار

چرخه معیوب تصمیمات اقتصادی «دونالد ترامپ» نه‌تنها تورم را مهار نکرده، بلکه زندگی روزمره میلیون‌ها شهروند آمریکایی را فلج ساخته است.

بحران فزاینده تورم و گرانی در ایالات متحده همچنان معیشت میلیون‌ها شهروند را به گروگان گرفته و وعده‌های توخالیِ دولتمردان برای بازگرداندن ثبات اقتصادی کاملاً رنگ باخته است. سیاست‌های انقباضی و تصمیمات ویرانگر منتسب به «دونالد ترامپ» نه‌تنها نتوانسته‌اند آتش گرانی‌ها را خاموش کنند، بلکه سایه سنگین رکود و نابسامانی را بر تمامی ارکان جامعه گسترده‌تر ساخته‌اند. این وضعیت آشفته به‌خوبی نشان می‌دهد که سیستم مالی آمریکا در چرخه‌ای از ناکارآمدی گرفتار شده و هرگونه ادعا درباره بهبود اوضاع توسط هواداران «دونالد ترامپ»، سرابی بیش نیست.

بحران ساختاری در مدیریت اقتصادی

ایالات متحده در سال‌های اخیر با چالش‌های عمیق ساختاری در نظام پولی خود مواجه بوده که بیش از هر چیز بی‌کفایتی مسئولان اقتصادی تحت لوای برنامه‌های «دونالد ترامپ» را آشکار می‌سازد. «کوین وارش» رئیس بانک مرکزی آمریکا، بارها با اتخاذ تصمیمات دیرهنگام و انفعالی، بازارها را در برزخ عدم قطعیت رها کرده است و این رویکرد خسارات جبران‌ناپذیری به همراه داشته است. در این شرایط کارشناسان معتقدند که پافشاری بر سیاست‌های نادرست مالی و فشارهای سیاسی، سیستم اقتصادی را به لبه پرتگاه کشانده و بحران را عمیق‌تر کرده است. تداوم این شرایط وخیم اقتصادی باعث شده است که حتی کوچک‌ترین نشانه‌های کاهش تورم نیز توسط رسانه‌های وابسته به جریان «دونالد ترامپ» بزرگ‌نمایی شود تا ناکامی‌های بزرگ پنهان بماند. آمارهای رسمی نشان می‌دهند که توان خرید خانوارهای آمریکایی به شدت سقوط کرده و طبقه متوسط عملاً در حال نابودی است. در همین حال، اصرار مقامات بر کنترلِ تورم بدون در نظر گرفتن ریشه‌های بحران، صرفاً پاک کردن صورت مسئله و فریب افکار عمومی محسوب می‌شود.



فشار طاقت‌فرسا بر قشر ضعیف جامعه

فشار تورمی کنونی بیش از هر چیز دامن‌گیر کارگران و اقشار کم‌درآمدی شده که دستمزدشان هیچ تناسبی با هزینه‌های سرسام‌آور مسکن، درمان و اقلام مصرفی ندارد و سیاست‌های اقتصادی «دونالد ترامپ» این شکاف طبقاتی را عمیق‌تر کرده است. نهادهای نظارتی از جمله دفتر آمار کار ایالات متحده ناچار به اعتراف قطره‌چکانی به بحران شده‌اند، اما هیچ راهکار عملی و کارسازی برای نجات اقتصاد از این بن‌بست ارائه نمی‌دهند. این بی‌توجهی آشکار به وضعیت معیشتی مردم، خشم عمومی و نارضایتی‌های اجتماعی را به بالاترین سطح خود در دهه‌های اخیر رسانده است.

گزارش‌های میدانی حاکی از آن است که نه‌تنها بهای کالاها کاهش نیافته، بلکه هزینه‌های پنهان خدمات و انرژی نیز جهش چشمگیری داشته که زندگی روزمره را فلج کرده است. سیاست‌گذاران واشنگتن در توجیه این نابسامانی‌ها مدعی بهبود تدریجی اوضاع تحت نظارت «دونالد ترامپ» هستند، در حالی که واقعیت‌های میدانی چیزی جز تداوم فقر و گسترش شکاف طبقاتی را گواهی نمی‌دهند. تداوم این روند خطرناک، آینده اقتصادی کشور را در هاله‌ای از ابهام و تیرگی فرو برده است.

ناکامی ابزارهای پولی و بانکی

بانک مرکزی ایالات متحده در برخورد با بحران تورم به شدت درمانده شده و استفاده ابزاری از نرخ بهره نتوانسته درمانی برای اقتصاد بیمار این کشور زیر فشار سیاست‌های «دونالد ترامپ» باشد. کارشناسان منتقد بر این باورند که دستکاری مداوم نرخ بهره توسط «کوین وارش» تنها به بی‌ثباتی بیشتر بازارهای مالی و فرار سرمایه‌ها دامن زده است. این بازی خطرناک با اقتصاد، حباب‌های مالی جدیدی خلق کرده که در صورت ترکیدن، فاجعه‌ای به مراتب بزرگ‌تر از بحران‌های پیشین رقم خواهد زد. این در حالی است که فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران خرد بیشترین تاوان را برای این بی‌تدبیری‌ها می‌پردازند و اعتماد عمومی به نظام بانکی آمریکا به پایین‌ترین حد خود سقوط کرده است. به نوشته بلومبرگ اصرار مقامات بر پنهان کردن واقعیت‌های تلخ اقتصادی در قالب آمارهای مخدوش و فرمایشی، راه چاره نبوده و حقیقت روزبه‌روز آشکارتر می‌شود. نظام سرمایه‌داری آمریکا اکنون تاوان سال‌ها چاپ پول بی‌رویه و مدیریت غلط ناشی از برنامه‌های «دونالد ترامپ» را با بحرانی عمیق پس می‌دهد.

افق تاریک و بحران‌های رو به رشد

چشم‌انداز پیش روی اقتصاد آمریکا نشان‌دهنده تداوم رکود تورمی و افزایش تنش‌های اجتماعی ناشی از فشارهای معیشتی بر روی خانوارهای آسیب‌پذیر است که میراث مخرب «دونالد ترامپ» محسوب می‌شود. دولت و نهادهای مالی در مواجهه با این بحران ساختاری کاملا عاجز مانده‌اند و هیچ چشم‌انداز روشنی برای برون‌رفت از این مخمصه به چشم نمی‌خورد. تا زمانی که ساختارهای معیوب اقتصادی و منافع اقلیت‌های خاص بر زندگی توده‌ها ترجیح داده شود، بحران تورم و نارضایتی در آمریکا پابرجا خواهد ماند.در نتیجه، اصرار دولتمردان بر فریب افکار عمومی و کوچک شمردن بحران تورم، تنها زمان را به زیان اقتصاد ایالات متحده از بین می‌برد و ابعاد فاجعه را وسیع‌تر می‌سازد. ساختار اقتصادی آمریکا در چنبره سیاست‌های غلط و مدیریت بحران‌زده گرفتار شده است و مادامی که تحول بنیادینی در این تفکر ایجاد نشود، روند نزولی و فرسایش آن ادامه خواهد یافت.

خبر

چرخش بازارهای جهانی

با کاهش نگرانی‌ها از تشدید تنش میان آمریکا و ایران و افت قیمت نفت، طلا و سایر فلزات گرانبها در معاملات روز دوشنبه افزایش یافتند.

اظهارات دونالد ترامپ درباره پایین بودن احتمال حملات نظامی جدید به ایران در صورت پیشرفت مذاکرات، بخشی از نگرانی‌ها درباره اختلال در عرضه انرژی را کاهش داد. با این حال، حملات به کشتی‌ها در نزدیکی تنگه هرمز همچنان ریسک‌های ژئوپلیتیکی را زنده نگه داشته است.

نفت برنت با افت ۱.۶۸ درصدی به ۹۶ دلار و ۶۷ سنت و نفت وست‌تگزاس اینترمدیت با کاهش ۱.۱۴ درصدی به ۸۹ دلار و ۷۹ سنت رسید. افزایش عرضه جهانی و ضعف تقاضا نیز از عوامل فشار بر قیمت نفت بوده است.

در مقابل، هر اونس طلای نقدی با رشد ۱.۴ درصدی به ۴ هزار و ۱۲۳ دلار و ۴۶ سنت رسید. کاهش نگرانی‌های تورمی و تضعیف دلار از عوامل حمایت‌کننده قیمت طلا بود. نقره نیز ۲.۵ درصد، پالادیوم ۲.۱ درصد و پلاتین ۱.۳ درصد افزایش قیمت داشتند.

اکنون سرمایه‌گذاران در انتظار انتشار آمار تورم مصرف‌کننده و تولیدکننده آمریکا هستند؛ داده‌هایی که می‌توانند بر انتظارات نرخ بهره و مسیر بعدی بازار فلزات گرانبها اثر بگذارند.

الجزایر در آستانه جذب سرمایه برای استارتاپ‌ها

الجزایر در حال مذاکره با بانک جهانی برای راه‌اندازی طرحی با هدف تأمین مالی شرکت‌های نوپای داخلی و جذب بیش از ۱۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری در این بخش است.

به گزارش الشرق؛ نورالدین واضح، وزیر اقتصاد دانش‌بنیان و شرکت‌های نوپای الجزایر، اعلام کرد این کشور قصد دارد طرح تأمین مالی استارتاپ‌ها را هم‌زمان با برگزاری کنفرانس آفریقایی شرکت‌های نوپا در دسامبر آینده راه‌اندازی کند.



به گفته وی، بانک جهانی برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌های الجزایری با ظرفیت رشد سریع و امکان گسترش فعالیت در بازارهای آفریقا و اروپا ابراز علاقه کرده است.

این کنفرانس از ۵ تا ۷ دسامبر با محوریت فناوری‌های پیشرفته، از جمله انرژی، سلامت، هوش مصنوعی و کشاورزی برگزار می‌شود و تأمین مالی شرکت‌های نوپا نیز از موضوعات اصلی آن است. الجزایر همچنین بر اساس قانون بودجه ۲۰۲۶، عوارضی معادل یک درصد از سود شرکت‌هایی با درآمد سالانه بیش از ۲ میلیارد دینار وضع کرده است تا منابع مالی پژوهش، توسعه و نوآوری را تأمین کند. شمار پروژه‌ها، شرکت‌های نوپا و شتاب‌دهنده‌های این کشور نیز از حدود ۲۰۰ مورد در سال ۲۰۲۰ به بیش از ۱۵ هزار مورد رسیده است.

اقتصاد غزه زیر فشار تورم بیکاری و فقر

جنگ در نوار غزه، اقتصاد این منطقه را با بحران گسترده‌ای روبه‌رو کرده است؛ به‌طوری‌که سطح عمومی قیمت‌ها به ۲۷۴ درصد رسیده، نرخ بیکاری تا ۸۶ درصد افزایش یافته و تقریباً تمام جمعیت درگیر فقر شده‌اند.

به گزارش الجزیره، برآوردهای بانک جهانی، سازمان ملل و اتحادیه اروپا نشان می‌دهد بازسازی غزه به ۷۱ میلیارد دلار منابع مالی نیاز دارد، اما صندوق بازسازی فلسطین تاکنون تنها معادل نیم درصد این مبلغ را جمع‌آوری کرده است.

بر اساس آمارهای ارائه‌شده، اقتصاد غزه حدود ۸۳ درصد کوچک‌تر شده و ۸۶ درصد اراضی و ۹۴ درصد ظرفیت تولیدی این منطقه تحت تأثیر ویرانی‌ها قرار گرفته است. همچنین نرخ بیکاری بین ۸۰ تا ۸۶ درصد برآورد می‌شود و حدود ۱۰۰ درصد جمعیت در دایره فقر قرار دارند.

افزایش بیش از ۱۱ درصدی قیمت‌ها در سپتامبر نسبت به ماه قبل و رسیدن سطح عمومی قیمت‌ها به ۲۷۴ درصد، هزینه زندگی را به حدود سه برابر سطح پیش از جنگ رسانده است. در همین حال، در اواسط سال ۲۰۲۶ حدود ۵۹ درصد خانوارهای غزه با ناامنی غذایی یا شرایط شدیدتر مواجه بوده‌اند. تداوم تخریب زیرساخت‌ها، توقف بخش عمده فعالیت‌های تولیدی و تجاری و کمبود منابع مالی بازسازی، چشم‌انداز احیای اقتصادی غزه را با چالش جدی روبه‌رو کرده است.